

فاکتورهای اثرگذار بر آمادگی تکنولوژیک سازمان در جهت ترویج رفتار تسهیم دانش

ام کلثوم شعبانی^۱، ناصر حمیدی^۲

چکیده

در دنیای متغییر و دانش محور کنونی حفظ و احتصال سرمایه های دانشی از جمله چالش های پیش روی سازمان ها به شمار رفته و تسهیم دانش نقشی موثر در دستیابی سازمان ها به مزیت رقابتی خواهد داشت. لذا توجه به توانمندسازهای تسهیم دانش در سازمان از اهمیتی ویژه برخوردار می باشد. آمادگی تکنولوژیک سازمان در حوزه تسهیم دانش به عنوان یکی از مهم ترین توانمندسازها، ترویج رفتارهای مبتنی بر تسهیم دانش را در سازمان تسهیل نموده و اثر بخشی سیستم های مدیریت دانش را ارتقاء خواهد بخشید. بدین منظور در تحقیق حاضر با بهره گیری از روش توصیفی- پیمایشی به شناسایی فاکتورهای اثر گذار بر آمادگی ICT سازمان در حوزه ترویج رفتار تسهیم دانش پرداختیم. داده های مورد نیاز برای انجام این تحقیق از میان ۲۸۵ نفر از کارکنان شرکت مینا جمع آوری شده و با استفاده از روش معادلات ساختاری و با بهره گیری از نرم افزار لیزرل مورد واکاوی قرار گرفت. بر اساس نتایج به دست آمده سه عامل نرم افزارهای ICT، زیرساخت های ICT و سواد ICT از جمله عوامل موثر بر آمادگی تکنولوژیک سازمان در حوزه تسهیم دانش به شمار می روند و در این میان زیر ساخت های ICT با میزان تاثیر ۰/۸۵ بیشترین تاثیر را داراست. در این تحقیق همچنین سنجه های مرتبط با هر یک از فاکتورها تعریف شده و ارتباط آن ها با فاکتور مربوطه مورد تایید قرار گرفت.

واژگان کلیدی: تسهیم دانش، آمادگی ICT، تکنیک دلفی، معادلات ساختاری

^۱ کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین، گروه مدیریت، قزوین، ایران mina.shabani2000@gmail.com

^۲ دانشیار، آزاد اسلامی، واحد قزوین، گروه مدیریت، قزوین، ایران nhamidi1344@gmail.com

مقدمه

از جمله اجزای اساسی و نیز یکی از قابلیت های اصلی مدیریت دانش می توان به تسهیم دانش اشاره نمود (پاشر و رونان ، ۲۰۱۱). نقش تسهیم دانش در مدیریت دانش آنقدر مهم است، که بعضی از نویسندگان اظهار می دارند که وجود مدیریت دانش برای پشتیبانی تسهیم دانش است (کشاوری، ۱۳۸۶). محققان بسیاری از جمله داوینپورت و پروساک (۱۹۹۸) نقش تسهیم دانش را در فرایند مدیریت دانش بسیار بحرانی و برجسته بیان کرده اند (سخاوت، ۱۳۹۲). تسهیم دانش به عنوان یک فعالیت پیچیده ولی ارزش آفرین، بنیاد و پایه بسیاری از استراتژی های مدیریت دانش سازمان ها می باشد (کشاوری، ۱۳۸۶). تسهیم دانش، عاملی کلیدی در موفقیت سازمان است؛ زیرا سبب گسترش سریع تر دانش به بخش هایی از سازمان می شود که قادر به بهره برداری از آن هستند. بنابراین امروزه در عصر جهانی شدن، برای سیاست گذاران، مدیران و حتی شهروندان عادی، یادگیری جمعی، تسهیم دانش و ایجاد شبکه های نهادینه فراتر از مرز سرزمین ها، به موضوعی بسیار با اهمیت تبدیل شده است (حسینی و پوراسدی، ۱۳۹۰). تسهیم دانش از آن حیث از اهمیت بالا برخوردار است که مهم ترین نتیجه اجرای آن در سازمان، خلق دانش جدید و نوآوری است که عملکرد سازمانی را به طور قابل توجهی ارتقاء خواهد بخشید (آل-هاوآمده ، ۲۰۰۳).

مطالعات بسیاری به شناسایی عوامل موثر بر تسهیم دانش در سازمان پرداخته اند. چنانچه مشخص است فاکتورهای بسیاری وجود دارند که تسهیم دانش را تحت تاثیر قرار می دهند (زندحسامی و موسوی، ۲۰۱۶). در دنیای متغیر کنونی آمادگی فناوری اطلاعات و ارتباطات سازمان از جمله عوامل کلیدی اثر گذار بر تسهیم دانش به شمار می رود. چنانچه براساس نتایج حاصل از مطالعات موسی خانی و همکاران (۱۳۸۷) زیرساخت فناوری اطلاعات یکی از عوامل موثر بر بر آمادگی مدیریت و تسهیم دانش در سازمان می باشد (موسی خانی و همکاران، ۱۳۸۷). زیرساخت فناوری اطلاعات در سازمان از جمله مظاهر آمادگی الکترونیک سازمان به شمار می رود. آمادگی الکترونیک به عنوان یک ابزار تجزیه و تحلیل محیطی، فرصت ها و تهدیدهای محیط را شناسایی کرده و با بیان نقاط ضعف و قوت جوامع و سازمانها، الگویی از میزان آمادگی الکترونیک آنها ارائه می نماید (واعظی و ایمانی، ۱۳۸۸). در یک بیان کلی می توان آمادگی الکترونیک را در قالب میزان دسترسی و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، تعریف نمود. بنابراین آمادگی الکترونیک در حقیقت بیانگر توانایی جامعه، کسب و کارها، مصرف کنندگان و حکومت در استفاده از فناوری های الکترونیکی می باشد (بریجز، ۲۰۰۵). با توجه به اهمیت آمادگی تکنولوژیک سازمان در حوزه های مختلف، نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در به اشتراک گذاری دانش نیز به وسیله نظریه پردازان حوزه ارتباطات مورد مطالعه قرار گرفته است (بینز اسکراف ، ۲۰۰۳) با ورود به هزاره سوم شاهد تغییرات سریع در فن آوریها و شدت پیچیدگی محیط هستیم (رهنورد و محمدی، ۱۳۸۸) در چنین فضای متغییری، فناوری های جدید به سازمانها این امکان را می دهند تا سیستم های مدیریت دانش را به منظور ذخیره و اشاعه اطلاعات ساختار نیافته مورد استفاده قرار دهند (عباسی، ۱۳۸۶). اورلیکوواسکی (۱۹۹۲) فناوری را در قالب فناوری تبادل اطلاعات تعریف می نماید، که شامل نرم افزار و سخت افزار مورد استفاده کارکنان در سازمان ها، در روند اجرای وظایفشان می باشد. تکنولوژی (فناوری) همواره یکی از متغیرهای اساسی در تئوری های سازمانی بوده (اورلیکوواسکی، ۱۹۹۲) و به عنوان یک توانمندساز، نقشی حیاتی در افزایش سطح به اشتراک گذاری دانش در میان کارکنان دارد (اندرسون ، ۲۰۰۰).

بنابراین می توان گفت آمادگی فناوری اطلاعات و ارتباطات^۳ زیرمجموعه ای از آمادگی الکترونیک سازمان به شمار رفته و دربردارنده توانایی سازمان در بهره گیری از فناوری های نوین اطلاعاتی و ارتباطی است. بر اساس مطالعات محدابقری و زاویه (۲۰۱۰) سه عامل نرم افزارهای ICT، زیرساخت ICT و سواد ICT اجزای متشکله فناوری اطلاعات و ارتباطات را در سازمان تشکیل می دهند (محدابقری و زاویه، ۲۰۱۰). بنابراین آمادگی ICT تحت عنوان مجموعه ای از توانمندیهای سازمان در استقرار زیرساخت های مطلوب ICT ، تامین نرم افزارهای نوین اطلاعاتی و ارتباطی و استفاده بهینه از این نرم افزارها، از طریق ارتقاء سطح سواد سازمان در حوزه ICT، تعریف می گردد، که هر یک از این عوامل آمادگی فناوری اطلاعات و ارتباطات سازمان در راستای تسهیم دانش را تحت تاثیر قرار می دهند. بنابر این با توجه به اهمیت شناخت صحیح هر یک از این فاکتورها و سنجه های آن ها و نیز آگاهی از میزان تاثیر هر یک از این عوامل بر آمادگی ICT سازمان در جهت تقویت تسهیم دانش در سازمان، در

³ Information Communication Technology (ICT)

تحقیق حاضر به شناسایی و غربال‌گری شاخص‌های آمادگی ICT و سنج‌های مربوطه و نیز بررسی میزان تاثیر هر یک از آن‌ها خواهیم پرداخت. بر این اساس فرض می‌شود:

الف- زیرساخت ICT دارای تاثیر مثبت و معنادار بر آمادگی تکنولوژیک سازمان در تسهیم دانش می‌باشد.

ب- نرم‌افزارهای ICT دارای تاثیر مثبت و معنادار بر آمادگی تکنولوژیک سازمان در تسهیم دانش می‌باشد.

الف- سواد ICT دارای تاثیر مثبت و معنادار بر آمادگی تکنولوژیک سازمان در تسهیم دانش می‌باشد.

پیشینه پژوهش

امروزه فناوری اطلاعات و ارتباطات در سراسر جهان برای ذخیره، مدیریت، بازیابی و اشتراک و حفظ دانش مورد استفاده قرار می‌گیرد. به نحوی که بدون استفاده از این فناوری‌ها دستیابی، اشتراک و حفظ موثر دانش عملاً غیر ممکن خواهد بود (جین، ۲۰۱۴). بر همین اساس جین (۲۰۱۴) تحقیقاتی را با هدف شناسایی تاثیر کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات بر مدیریت دانش بومی در بوتسوانا انجام داد. بوتسوانا مانند سایر کشورهای آفریقایی از مجموعه‌ی گسترده‌ای از دانش و اطلاعات بومی برخوردار است که این اطلاعات می‌بایست در زنجیره ارزش‌های اجتماعی-اقتصادی این کشور جاری شوند. نتایج حاصل از مطالعات جین (۲۰۱۴) بیانگر تاثیر شگرف فناوری اطلاعات و ارتباطات در حوزه مدیریت دانش بوده و نیز به ارائه برخی راهکارهای استفاده موثر از دانش بومی با بهره‌گیری از ICT پرداخت. رجی و شاه محمدی (۱۳۹۲) با ارائه مدلی برای به کارگیری فناوری اطلاعات در مدیریت دانش نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران نشان دادند، استفاده از ابزار فناوری اطلاعات و ارتباطات متناسب با ویژگی‌های سازمان می‌تواند گامی بزرگ در جهت پیشبرد برنامه‌های مدیریت دانش در سازمان به شمار می‌رود. به زعم ژانگ و فاینگ (۲۰۱۳) تسهیم دانش در میان اعضای تیم کاری بواسطه بهبود عملکرد و موفقیت در تحویل پروژه، از اهمیتی ویژه برخوردار است. بدین منظور مطالعاتی را با هدف شناسایی عوامل موثر بر تمایل افراد به تسهیم دانش در پروژه‌های ساخت و ساز در هنگ کنگ انجام دادند. نتایج حاصل از این مطالعات موید تاثیر قابل توجه اجرای برنامه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات بر رفتار تسهیم دانش در میان افراد می‌باشد. از سویی دیگر حقدادی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی [رابطه بین سواد فناوری اطلاعات و ارتباطات \(ICT\) و مدیریت دانش اعضای هیئت‌علمی دانشگاه بیرجند](#) پرداخته و نشان دادند میان سواد ICT و مدیریت دانش ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد و لذا تقویت سواد ICT می‌تواند به تقویت سیستم‌های مدیریت دانش در سازمان‌ها منتهی گردد. لذا فناوری اطلاعات و ارتباطات از جمله توانمندسازهای مدیریت دانش و فرایندهای آن به شمار آمده و هر یک از فاکتورهای آن از جمله سواد ICT می‌تواند تسهیل‌کننده مدیریت و تسهیم دانش در سازمان به شمار آید.

گارسیا آلوارز (۲۰۱۵) در پژوهشی با هدف بررسی نحوه تاثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات در فرایندهای مدیریت دانش و تاثیر آن بر نوآوری و یادگیری سازمانی در شرکت زارا مدلی را ارائه نمود که بر اساس آن مشخص گردید شرکت نساجی زارا در فرایند خود از ابزارهای مختلفی از جمله سیستم‌های مدیریت مبتنی بر ارتباطات الکترونیک و اتوماسیون استفاده می‌کند، که همگی از جمله مصادیق ICT در سازمان می‌باشند. نتایج حاصل از این مطالعه موردی در گروه نساجی زارا نشان داد استفاده ترکیبی این فناوری‌ها دارای اثرات مثبت بر ۴ فرایند اصلی مدیریت دانش دارد، که عبارتند از اجتماعی کردن، آشکارسازی، تبدیل کردن و درونی کردن اطلاعات. در این تحقیق همچنین به بررسی اثرگذارترین فرایندهای مدیریت دانش پرداخته شد. نتایج بدست آمده همچنین نشان می‌دهد استفاده همزمان فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و یادگیری سازمانی امکان تولید محصولات مدرن‌تر در صنعت نساجی را فراهم می‌آورد. نگوین و بارگز (۲۰۱۴) با مطالعه بر روی دو شرکت کوچک در ویتنام نشان به بررسی چگونگی انتقال دانش با استفاده از ICT و نیز در عدم حضور آن پرداختند. نتایج بدست آمده حاکی از تفاوت بارزی در دستیابی به انتقال دانش میان دو مورد مطالعه بود. نتایج این تحقیق نشان داد، کارکنانی که دارای مشاغل خشک و با انعطاف پایین هستند، بیشتر نیازمند دانش صریح هستند؛ درحالی که کارکنان شاغل در مشاغل منعطف غالباً نیازمند اطلاعات شمنی می‌باشند. اگرچه دانش ضمنی

غالباً به شیوه هایی غیر از فرایندهای ICT انتقال می یابند، لکن انتقال دانش صریح مستلزم استفاده از فناوری های اطلاعات و ارتباطات است و این قاعده قابل تسری به حوزه تسهیم دانش نیز می باشد.

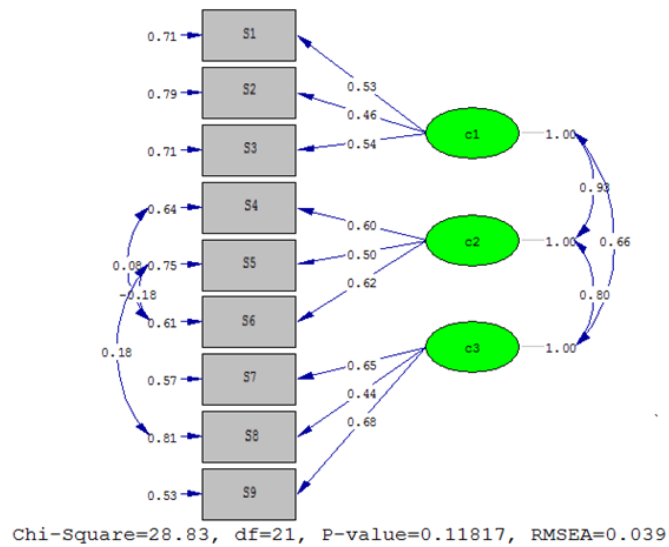
به باور ساباشینی و همکاران (۲۰۱۲)، ICT مجموعه امکاناتی است که مدیریت سازمان در راستای تسهیم دانش و اطلاعات از آن ها بهره می گیرد. بنابراین فناوری اطلاعات و ارتباطات نقش مهمی در مدیریت دانش در سازمان برعهده دارد، زیرا فناوری اطلاعات از طریق ابزارهای ارتباطی از جمله تلفن، ایمیل، پایگاه داده ها، سیستم های داده کاوی، موتورهای جستجو و ... تسهیم دانش را در سازمان تسهیل می نماید. بدین منظور مطالعاتی را با هدف دستیابی به شناخت کلی میزان اهمیت فناوری اطلاعات و ارتباطات در حوزه تسهیم دانش و تاثیر آن بر ارتقاء اثر بخشی کلی سازمان انجام داده و مدلی را ارائه نمودند که ضمن بیان همبستگی میان فناوری اطلاعات و ارتباطات، فرایند مدیریت دانش و اثر بخشی سازمانی، ارتباط معنادار میان ICT و پروسه مدیریت دانش را به خوبی تبیین می نماید. هندریکس (۲۰۱۰) اذعان می دارد، کاربردهای مختلف فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان ابزارهای مدیریت دانش به کارگرفته می شوند و این مسئله تا اندازه ای با اهمیت است که بسیاری از پژوهشگران اجرای مدیریت دانش را معادل با استقرار برنامه های فناوری اطلاعات و ارتباطات در سازمان دانسته اند. با این حال برای بررسی بهتر چگونگی ارتباط این دو عامل می بایست مولفه های ICT از جمله زیرساخت های ICT، سطح سواد مورد نیاز برای استقرار ICT در سازمان و سایر شرایط موجود را مورد واکاوی قرار داد. وی در مطالعات خود پنج بعد فناوری اطلاعات و ارتباطات را مورد بررسی قرار داده و بیان می دارد برای امکان بخشی به استفاده موثر از ابزار ICT در جهت تقویت مدیریت دانش در سازمان توجه به ابعاد کلیدی ICT ضرورت خواهد داشت. بنابراین شناسایی فاکتورهای اثر گذار بر آمادگی سازمان در حوزه ICT گامی موثر در جهت استقرار هرچه بهتر سیستم های مدیریت و تسهیم دانش در سازمان به شمار می آید.

روش پژوهش

تحقیق حاضر به روش توصیفی پیمایشی و با هدف کاربردی در میان کارمندان و کارشناسان شرکت مپنا انجام گردید. هدف از انجام این تحقیق شناسایی فاکتورهای اثرگذار بر آمادگی تکنولوژیک سازمان در جهت تسهیم دانش می باشد. جمع آوری اطلاعات میدانی مورد نیاز در جریان این تحقیق با استفاده از پرسشنامه استاندارد محد باقری و زاویه (۲۰۱۰) صورت پذیرفته است. روایی محتوای پرسشنامه با استفاده از نظر ۱۵ نفر از خبرگان حوزه مدیریت دانش و بر اساس جدول لاوشه، با مقدار CVR بالای ۰/۴۹ مورد تایید قرار گرفت. از سویی دیگر میزان آلفای کرونباخ در مورد تمام شاخص ها بالاتر از ۰/۷ بدست آمده و بدین ترتیب پایایی پرسشنامه نیز تایید گردید. پس از تایید پایایی و روایی، ۳۰۰ پرسشنامه در میان جامعه نمونه توزیع گردید که از این میان ۲۸۵ پرسشنامه تکمیل و مورد واکاوی قرار گرفت. آنالیز داده ها به روش معادلات ساختاری و با استفاده از نرم افزار لیزرل صورت پذیرفت. به منظور بررسی روایی سازه در این تحقیق نیز از نرم افزار لیزرل و روش تحلیل عاملی تاییدی بهره گرفته شده است.

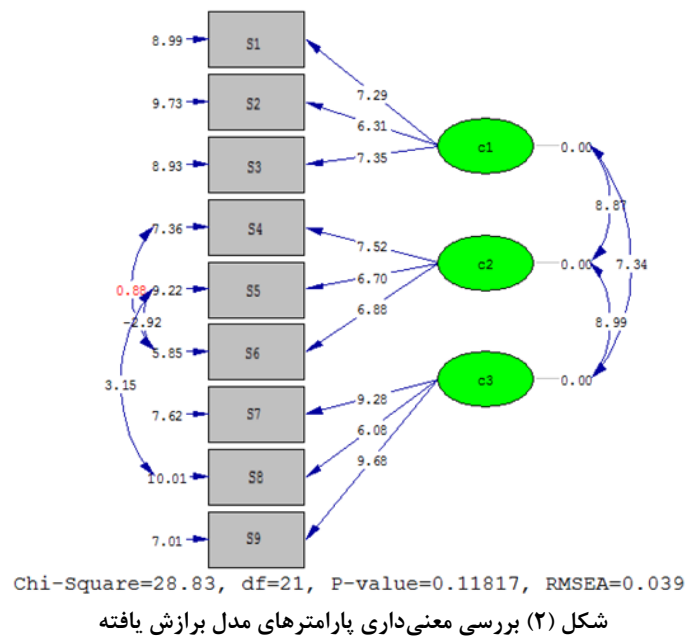
یافته های پژوهش

متغیر فناوری اطلاعات و ارتباطات که از ۳ عامل و ۹ سؤال تشکیل شده است. به منظور بررسی و تناسب شاخص ها و سنجه های آن ها، این مدل در نرم افزار لیزرل اجرا و روابط نشانگرهای آن ترسیم شد.



شکل (1) مدل اولیه اندازه‌گیری شاخص‌ها

مدل اولیه اجرا شده در نرم‌افزار لیزرل دارای شاخص‌های مناسب برازش نبوده و به این منظور باید مدل اولیه وارد فاز اصلاح شود. در مدل برازش یافته بارهای عاملی و تمام رویکردهای مطالعه، معنی‌داری آن‌ها از اعتبار قاطعی برخوردار می‌باشند.



شکل (2) بررسی معنی‌داری پارامترهای مدل برازش یافته

مدل با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی به اجرا درآمده و در نتیجه آن تداخل قابل توجهی مشاهده نگردید. با توجه به اینکه مقدار ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب RMSEA برای مدل اصلاح شده کمتر از ۰/۱ گزارش شده، از این رو سنجه های تعریف شده با از تناسب کافی با متغیرهای مورد مطالعه برخوردار می باشند و لذا بر اساس نتایج حاصله، پارامترهای برآورد شده در مدل به لحاظ آماری قابل اتکا بوده و می توان از آن ها جهت تطابق پذیری نشانگرها با سازه های مورد مطالعه استفاده نمود.

جدول (۱) شاخص های برازندگی مدل اندازه گیری متغیر فناوری اطلاعات و ارتباطات

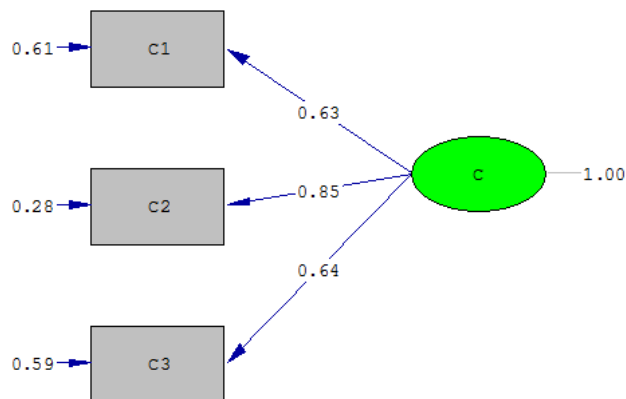
شاخص	حد مطلوب	مقدار گزارش شده
میانگین مجذور پس ماندها (RMR)	نزدیک به صفر	۰,۰۵۰
میانگین مجذور پس ماندها استاندارد شده (SRMR)	نزدیک به صفر	۰,۰۴۰
شاخص برازندگی (GFI)	۰/۹ و بالاتر	۰,۹۷
شاخص نرم شده برازندگی (NFI)	۰/۹ و بالاتر	۰,۹۶
شاخص نرم نشده برازندگی (NNFI)	۰/۹ و بالاتر	۰,۹۸
شاخص برازندگی فزاینده (IFI)	۰/۹ و بالاتر	۰,۹۹
شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	۰/۹ و بالاتر	۰,۹۹
ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب، (RMSEA)	۰/۱ و کمتر	۰,۰۳۹
کای دو بر درجه آزادی	کمتر از ۳	۱,۳۷

چنانچه مشخص است، داده های این پژوهش با ساختار عاملی و زیربنای نظری تحقیق برازش مناسبی دارد و این بیانگر همسو بودن سنجه ها با سازه های نظری است. بنابراین سنجه های مرتبط با هر یک از شاخص های آمادگی فناوری اطلاعات و ارتباطات در جدول (۲) ارائه می گردند.

جدول (۲) سنجه های مرتبط با هر یک از شاخص های آمادگی تکنولوژیک در حوزه تسهیم دانش

شاخص	سنجه ها
نرم افزار ICT	۱. استفاده از نرم افزارهایی چون Microsoft Exchange, Lotus Notes و غیره در جهت تسهیم دانش
	۲. دسترسی به سیستم های اطلاعاتی مبتنی بر رایانه در مقایسه با فایل های کتابخانه ای موجود
	۳. دستیابی وسیع تر به اصلاحات و اسناد با استفاده از سیستم های مبتنی بر رایانه
زیرساخت ICT	۴. تسریع تسهیم دانش با بهره گیری از تکنولوژی های نوین فناوری اطلاعات و ارتباطات
	۵. سرعت بخشید به فرایند جستجو و بازیابی اطلاعات با استفاده از زیرساخت های تکنولوژیک
	۶. افزایش سهولت و کاهش خطای نیروی در انجام کارهای روزانه با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات
سواد ICT	۷. آموزش نیروی کار در زمینه چگونگی رایانه و سیستم های مبتنی بر آن
	۸. آموزش نرم افزارهای کاربردی و چگونگی استفاده از آنها در حوزه تبادل اطلاعات

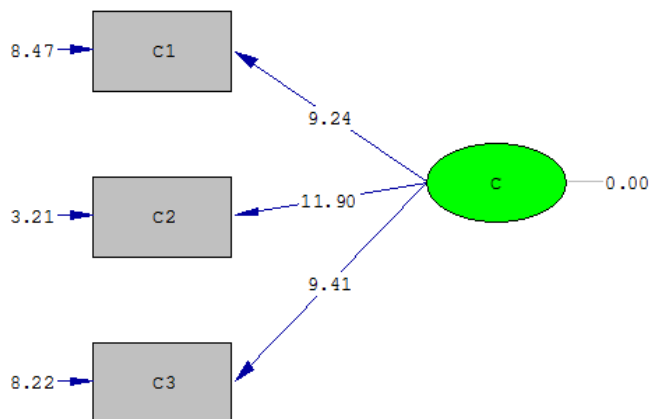
پس از تایید ارتباط میان شاخص ها و سنجه ها، مدل نهایی تحقیق در نرم افزار لیزرل اجرا و روابط نشانگر های آن ترسیم گردید.



Chi-Square=0.00, df=0, P-value=1.00000, RMSEA=0.000

شکل (۳) مدل اولیه تحقیق

مدل اولیه اجرا شده در نرم افزار لیزرل دارای شاخصهای مناسب برازش بوده و لذا مدل اولیه وارد فاز اصلاح نگردید. مقادیر ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب RMSEA، نیز در مدل به مقدار قابل قبول رسیده است؛ لذا می توان پارامتر های برآورد شده در مدل را به لحاظ آماری قابل اتکا دانست و از آن جهت تطابق پذیری نشانگرها با سازه های مورد مطالعه استفاده نمود.



Chi-Square=0.00, df=0, P-value=1.00000, RMSEA=0.000

شکل (۴) مقادیر t برای بررسی معنی داری پارامتر های مدل

مقادیر محاسبه شده t برای هر یک از بارهای عاملی هر نشانگر باقی مانده با سازه یا متغیر پنهان خود بالای $1/96$ است؛ لذا روابط بین سازه ها یا متغیرهای پنهان قابل استناد است. برای تعیین میزان تطابق مقادیر بدست آمده با واقعیت های موجود در مدل، می بایست شاخصهای برازش مورد مطالعه قرار گیرند.

جدول (۲) شاخص های برازندگی مدل تحقیق

مقدار گزارش شده	حد مطلوب	شاخص
۰,۰۰۰	نزدیک به صفر	میانگین مجذور پس ماندها (RMR)
۰,۰۰۰	نزدیک به صفر	میانگین مجذور پس ماندها استاندارد شده (SRMR)
۱,۰۰	۰/۹ و بالاتر	شاخص برازندگی (GFI)
۱,۰۰	۰/۹ و بالاتر	شاخص نرم شده برازندگی (NFI)
۱,۰۰	۰/۹ و بالاتر	شاخص نرم نشده برازندگی (NNFI)
۱,۰۰	۰/۹ و بالاتر	شاخص برازندگی فزاینده (IFI)
۱,۰۰	۰/۹ و بالاتر	شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)
۰,۰۰۰	۰/۱ و کمتر	ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب، (RMSEA)
۰,۰۰۰	کمتر از ۳	کای دو بر درجه آزادی

همانطور که مشخصه های برازندگی مدل نشان می دهد، داده های این پژوهش با ساختار عاملی و زیربنای نظری پژوهش برازش مناسبی داشته و مدل تحقیق مورد تایید قرار می گیرد.

بحث و نتیجه گیری

بر اساس نتایج حاصل از تحقیق حاضر آمادگی فناوری اطلاعات و ارتباطات سازمان در حوزه تسهیم دانش از سه فاکتور عمده زیر ساخت های ICT، نرم افزارهای ICT و سواد ICT تشکیل شده است که هر یک از این عوامل تاثیر بارزی بر آمادگی تکنولوژیک سازمان در تسهیم دانش دارند. محد باقری و زاویه (۲۰۱۰) پژوهشی را با عنوان "سهم عوامل تکنولوژیکی در کیفیت تسهیم دانش در میان کارکنان بخش دولتی مالزی" انجام دادند که بر اساس مطالعات ایشان نیز سه عامل زیر ساخت های ICT، نرم افزارهای ICT و سواد ICT به عنوان فاکتورهای تکنولوژیک سازمانی، کیفیت تسهیم دانش در سازمان را تحت تاثیر قرار می دهند. نتایج حاصل از این تحقیق در حوزه سواد ICT با مطالعات حقدادی و همکاران (۱۳۹۳) همسو می باشد. چنانچه ایشان در مطالعات خود به ارتباط مثبت و معنادار میان سواد فناوری اطلاعات و ارتباطات و مدیریت دانش اذعان نموده و نشان دادند، تقویت سواد ICT افراد می تواند سازمان ها را در بهبود فرایند مدیریت دانش یاری نماید. در همین راستا هندیکس (۲۰۱۰) با ذکر این مطلب که اجزای فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان ابزارهای اجرایی مدیریت دانش در سازمان به شمار می آیند، به بررسی پنج بعد

فناوری اطلاعات و ارتباطات و تاثیر آن ها بر اثر بخشی سیستم های مدیریت دانش می پردازد. که بر اساس نتایج حاصله زیرساخت های ICT و سواد ICT نقش قابل توجهی در ارتقاء سطح مدیریت و تسهیم دانش در سازمان دارند. موسوی و زندحسامی (۱۳۹۴) نیز در پژوهشی که با هدف استخراج ابعاد کلیدی تسهیم دانش در میان جامعه مهندسين انجام دادند، تاثیر سه عامل زیر ساخت های ICT، نرم افزارهای ICT و سواد ICT را به عنوان مولفه های فناوری اطلاعات و ارتباطات موثر بر تسهیم دانش مورد واکاوی قرار دادند که بر اساس یافته های ایشان هر سه عامل دارای تاثیر مثبت و معنادار بر تسهیم دانش می باشند. با توجه به آنچه گفته شد، نتایج بدست آمده از تحقیق حاضر ضمن تایید مطالعات پیشین، بر اهمیت سه فاکتور کلیدی آمادگی تکنولوژیک سازمان در حوزه تسهیم دانش تاکید می ورزد. از سویی دیگر نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد، از میان سه فاکتور اثر گذار بر آمادگی تکنولوژیک سازمان در حوزه تسهیم دانش، زیرساخت های فناوری اطلاعات و ارتباطات با میزان اثر ۰/۸۵ بیشترین تاثیر را در میان سه شاخص مزبور داراست. در تحقیقی که موسی خانی و همکاران (۱۳۸۷) با عنوان "ارائه مدلی برای سنجش میزان آمادگی سازمان ها در زمینه مدیریت دانش" در مرکز آمار ایران انجام دادند نیز از میان چهار فاکتور اثر گذار بر آمادگی سازمان برای مدیریت دانش، عامل زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات داری بالاترین امتیاز نهایی و بیشترین درجه اهمیت می باشد. لذا نتایج حاصل از تحقیق حاضر ضمن تایید یافته های موسی خانی و همکاران (۱۳۷۸) بر لزوم توجه هرچه بیشتر بر ارتقاء زیرساخت های فناوری اطلاعات و ارتباطات در جهت استقرار مطلوب سیستم های مدیریت و تسهیم دانش در سازمان ها اذعان می دارد.

در جریان تحقیق حاضر عوامل اثر گذار بر آمادگی تکنولوژیک سازمان در حوزه تسهیم دانش شناسایی شده و میزان تاثیر هر یک از آنها نیز مشخص گردید. نتایج حاصل از این تحقیق می تواند گامی موثر در جهت توجیه پذیری هزینه منابع و امکانات سازمانی در حوزه ارتقاء شاخص های فناوری اطلاعات و ارتباطات در جهت تسهیل تسهیم دانش در سامان ها باشد. با این حال به منظور تکامل هرچه بیشتر مطالعات در حوزه مزبور شایسته است، دامنه مطالعات در این حوزه را گسترش بخشیده و به بررسی ابعاد مختلف مسئله از جمله، موانع ارتقاء آمادگی تکنولوژیک سازمان در حوزه مدیریت و تسهیم دانش، راه های ارتقاء سطح سواد ICT در میان دانش آموختگان دانشگاهی، برآورد کمی هزینه-سود سرمایه گذاری در حوزه آمادگی ICT و اثرات متقابل استقرار سیستم های تسهیم دانش و افزایش سواد ICT کارکنان در سازمان پرداخت.

منابع

۱. حسینی، ناهید و پوراسدی، محمد. (۱۳۹۰). تسهیم دانش و سواد اطلاعاتی: با مروری بر وضعیت مطالعه دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی. فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی. (۱)۶، ۷۷-۹۴.
۲. حقدادی، علی؛ حیدرزادگان، علی؛ زارع مقدم، علی. (۱۳۹۳). رابطه بین سواد فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و مدیریت دانش اعضای هیئت علمی دانشگاه بیرجند. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۳. رجبی، علی محمد؛ شاه محمدی، غلامرضا. (۱۳۹۲). مدلی برای به کارگیری فناوری اطلاعات در مدیریت دانش نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات مدیریت بر آموزش انتظامی. (۱)۶، ۱۰۳-۱۳۹.
۴. رهنورد، فرج اله و محمدی اصغر. (۱۳۸۸). شناسایی عوامل کلیدی موفقیت سیستم مدیریت دانش در دانشکده ها و مراکز آموزش عالی تهران. نشریه مدیریت فن آوری اطلاعات. (۳)۱، ۳۷-۵۲.
۵. زندحسامی، حسام و موسوی، معصومه السادات. (۲۰۱۶). چگونگی اثرگذاری ابعاد و مولفه های موثر در تسهیم دانش کارکنان سازمان. هشتمین کنفرانس ملی و دومین کنفرانس بین المللی مدیریت دانش. تهران.
۶. سخاوت، آزاده. (۱۳۹۲). بررسی عوامل موثر بر تسهیم دانش آنلاین بین اعضای هیئت علمی در دانشگاه های مجازی ایران (مورد مطالعه: دانشگاه مهربرز). ششمین کنفرانس مدیریت دانش. تهران.
۷. عباسی، زهره. (۱۳۸۶). مروری بر مدل های پیاده سازی مدیریت دانش در سازمانها. کنفرانس بین المللی مدیریت دانش. تهران.

۸. کشاورزی، علی حسین. (۱۳۸۶). موانع و تسهیل کننده های تسهیم دانش در سازمانها. اولین کنفرانس مدیریت دانش. تهران.
۹. موسوی، معصومه السادات و زندحسامی، حسام. (۱۳۹۴). استخراج ابعاد کلیدی تسهیم دانش. فصلنامه مدیریت صنعتی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج. ۱۰(۳۴)، ۷۵-۸۰.
۱۰. موسی خانی، محمد؛ اجلی قشلاجوقی، مهدی؛ صفوی میر محله، سید رحیم. (۱۳۸۷). ارائه مدلی برای سنجش میزان آمادگی سازمان ها در زمینه مدیریت دانش (مورد مطالعه: مرکز آمار ایران). مدرس علوم انسانی - پژوهشهای مدیریت در ایران. ۱۴(۲)، ۲۲۱-۲۴۳.
۱۱. واعظی، رضا؛ ایمانی، عبدالمجید. (۱۳۸۸). سنجش آمادگی الکترونیک سازمان بازرگانی استان تهران. پژوهش های مدیریت. ۲(۶)، ۴۹-۷۴.

12. Al-Hawamdeh, S. (2003). Knowledge management cultivating knowledge professionals. Oxford: Chandos Publishing.
13. Davenport, T.H., Prusak L. (1998). Working Knowledge: How Organizations Manage What They Know. Harvard Business School Press. Boston.
14. [García-Álvarez](#), M. T. (2015). Analysis of the effects of ICTs in knowledge management and innovation: The case of Zara Group. [Computers in Human Behavior](#). 51(B). 994-1002.
15. Hendriks, P. H. J. (2010). Many rivers to cross: from ICT to knowledge management systems. *Journal of Information Technology*. 16(2). 57-72.
16. Jain, P. (2014). Indigenous knowledge management in Botswana using ICT applications. [Concepts and Advances in Information Knowledge Management](#). 167-191.
17. Mohd Bakhari, I., Zawiyah M. (2010). The Impact of Individual Factors on Knowledge Sharing Quality. *Journal of Organizational Knowledge Management*. Pages 13.
18. [Nguyen](#), T., [Burgess](#), S. (2014). A case analysis of ICT for knowledge transfer in small businesses in Vietnam. [International Journal of Information Management](#). 34(3). 416-421.
19. Orlikowski, W.J. (1992). The duality of technology: Rethinking the concept of technology in organizations. *Organization Science*. 3 (3), 398-427.
20. R. Subashini, R., Rita, S., Vivek. (2012). The Role of ICTs in Knowledge Management (KM) for Organizational Effectiveness. [Global Trends in Information Systems and Software Applications](#). 270(2). 542-549.
21. Zhang, P., Fai Ng, F. (2013). Explaining Knowledge-Sharing Intention in Construction Teams in Hong Kong. *Journal of Construction Engineering and Management*. 139(3).